

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۲۵ | تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۸/۰۹

نوع مقاله: پژوهشی

شماره صفحه ۳۳-۵۰

نقش آفرینی مراکز آموزش عالی در ارتقاء فرهنگ پذیری اجتماع شهری یادگیرنده بررسی موردی: محله‌های سناباد و جنت، مشهد*

مظفر صرافى

استاد گروه برنامه‌ریزی و طراحی شهری و منطقه‌ای، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

E-mail: sarrafi@sbu.ac.ir

وحیده ابراهیم‌نیا

استادیار گروه برنامه‌ریزی و طراحی شهری و منطقه‌ای، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

(نویسنده مسئول مکاتبات)

E-mail: v_brahimnia@sbu.ac.ir

فائزه همدانچی

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، گروه برنامه‌ریزی و طراحی شهری و منطقه‌ای، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید

بهشتی، تهران، ایران

E-mail: f.hamedanchi@sbu.ac.ir

چکیده

کلان‌شهر مشهد با حضور مستمر میلیون‌ها زائر، کانون بزرگ ارتباط اقوام و فرهنگ‌های مختلف است. این حضور علاوه بر فرصت‌های متعدد اقتصادی و گردشگری، زمینه برخورد جریان‌های فرهنگی ناهم‌سو با یکدیگر را ایجاد کرده است؛ جریان‌های فرهنگی که ارزش‌هایی گاه متضاد با یکدیگر را پشتیبانی می‌کنند و این تضاد عامل چالش‌های فرهنگی در شهر مشهد شده است. پژوهش حاضر هدف خود را به‌کارگیری انگاشت شهر یادگیرنده و تأکید بر نقش مراکز آموزش عالی همچون عامل وحدت‌بخش این جریان‌ها، برای تقویت هویت فرهنگی در این شهر قرار داده است. شهر یادگیرنده با ایجاد فضای تجربیات مختلف، دربرگیرنده تمامی گروه‌های اجتماعی و فرهنگی است و فرآیند یادگیری شهروندان و فرهنگ‌پذیری را تسهیل می‌بخشد. برای دستیابی به هدف مقاله معیارها و شاخص‌های پژوهش با روش فراتلفیق استخراج و وزن‌دهی شده است. داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پیمایش میدانی (با ۱۵۰ پرسشنامه از جامعه آماری) و مطالعات اسنادی، با شاخص‌های توزیع جمعیتی، فضایی و اجتماعی سنجیده شده است. و در نهایت رتبه‌بندی نواحی هفت‌گانه به‌وسیله مقادیر استاندارد شده حاصل از سنجش شاخص‌ها صورت پذیرفت. نتیجه این تحلیل تعیین ناحیه برخوردار از الزامات فرهنگ‌پذیری، به‌عنوان محرک توسعه فرهنگی و فرهنگ‌پذیری و ارائه پیشنهاد برای فراهم کردن ساختار فضایی و نهادی تسهیل‌کننده یادگیری، با امکان حضور جریان‌های مختلف فرهنگی و با تقویت نقش مراکز آموزش عالی به‌عنوان واحد میانجی ارتباطات این جریان‌ها است.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ شهری، فرهنگ‌پذیری، شهر یادگیرنده، مراکز آموزش عالی، کلان‌شهر مشهد

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد فائزه همدانچی با عنوان «فرهنگ‌پذیری اجتماعات شهری مبتنی بر شهر یادگیرنده با تأکید بر نقش مراکز آموزش عالی؛ مورد پژوهی: محلات سناباد و جنت کلان‌شهر مشهد» است که به راهنمایی دکتر مظفر صرافى و مشاوره دکتر وحیده ابراهیم‌نیا در دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی انجام شده است.

مقدمه

امروزه ارتباط میان افراد با توجه به افزایش مهاجرت‌ها، انتشار رسانه‌های جهانی، سفرهای گردشگری و نظیر آن، بیش از هر زمان دیگری افزایش یافته است. به دنبال ارتباط افراد مختلف، فرهنگ‌های مختلف نیز با یکدیگر ارتباط پیدا می‌نمایند که منجر به تغییراتی در آنها می‌شود. از آنجایی که جوامع با مسائلی روبه‌رو می‌شوند که هیچ راه‌حل دائمی برایشان وجود ندارد، تمایل به تغییرات فرهنگی و اجتماعی امری ذاتی و اجتناب‌ناپذیر است. انگیزه برای این تغییر ممکن است از داخل جامعه (جریان‌های فرهنگی ناشی از مهاجرت) و یا از بیرون آن (ناشی از تأثیرات جهانی شدن فرهنگی^۱) باشد. قرار گرفتن در معرض جریان‌های فرهنگی متعدد، اغتشاش فرهنگی ناشی از حضور جریان‌های متقابل و متضاد فرهنگی، چالش در شکل‌گیری هویت فرهنگی افراد و ایجاد حس چند فرهنگی در آنان را به دنبال دارد. در چنین شرایطی که افراد تحت تأثیر فرهنگ‌های بسیاری هستند، اهمیت همزیستی فرهنگی نمایان می‌شود: در این حالت، فرهنگ‌ها می‌توانند با متحول شدن و آمیزش با فرهنگ‌های دیگر به حیات خود ادامه دهند؛ شهروندان نیز باید بیاموزند که چگونه در مواجهه با جریان‌های متنوع و محیط فرهنگی جدید مؤثر عمل کنند؛ با فرهنگ‌های جدید کنار بیایند بدون این‌که هویت‌های اصلی خود را کاملاً از دست بدهند. این موضوع اشاره به مفهوم فرهنگ‌پذیری^۲ دارد. یکی از ابزارهای جامعه‌شناسی برای پرورش و بسط فرهنگ، آموزش و یادگیری اجتماعی^۳ است. و بسیاری از جوامع در مواجهه با چنین شرایطی از افزایش آگاهی خود نسبت به تاریخ و ارزش‌های خاص فرهنگی، استفاده می‌نمایند (Ozer et al., 2017, 295-297).

یادگیری که در اینجا از آن یاد می‌شود منحصر به آموزش رسمی و در قالب مدارس نیست، بلکه بخشی از آن با توجه به تأثیر محیط بر ویژگی‌های رفتاری، به شکل‌های نیمه‌رسمی^۴ و غیررسمی^۵ در فضاهای شهری ارائه می‌شود. محیط شهری با تکیه بر عوامل روان‌شناختی قادر است بر مخاطبین خویش اثر بگذارد؛ همان‌گونه که شهر یادگیرنده محیطی اجتماعی است که جریانی متنوع از لحظات آموزنده ارائه می‌دهد (سلیمان زاده، ۱۳۹۴، ۱۰۶). بنابراین، شهر بستر و محملی برای یادگیری است؛ چنان‌که پلو تارک می‌گوید «شهر بهترین آموزگار است» (پتروفسکی و دیگران، ۱۳۵۴، ۲۶۸). وظیفه برنامه‌ریزان شهری در این میان برپایی محیط‌های یادگیرنده، فراهم نمودن بستر یادگیری و به‌گونه‌ای تسهیل فرآیند یادگیری در شهر است. در میان ارکان مختلف شهر یادگیرنده، مراکز آموزش عالی^۶ به دلیل دارا بودن ظرفیت‌های بالقوه اجتماعی و فرهنگی از مستعدترین فضاهای یادگیرنده شهری به شمار می‌روند که قادرند افراد را برای تغییرات و دگرگونی‌های مداوم در جهان سراسر تغییر امروزی آماده کنند. در جهان کنونی یکی از رسالت‌های فرهنگی دانشگاه‌ها، ایفای نقش در تسهیل فرآیند فرهنگ‌پذیری به‌شمار می‌رود.

کلان‌شهر مشهد در پرتو نقش مهم مذهبی-زیارتی و همچنین موقعیت اقتصادی، سیاسی، خدماتی و علمی خود، دومین کلان‌شهر کشور به حساب می‌آید و حضور مستمر میلیون‌ها زائر و مسافر این شهر را به کانون بزرگ ارتباط اقوام، گروه‌ها، فرهنگ‌های مختلف در سطح ملی و حتی فراملی بدل کرده است. این موضوع علاوه بر فراهم نمودن فرصت‌های متعدد در این شهر منجر به چالش‌های فرهنگی متعددی از قبیل آمیزگری و برخورد فرهنگ‌های مختلف ناشی از حضور انبوه گردشگران، عدم وجود انسجام و همبستگی اجتماعی میان شهروندان، عدم وجود هویت منحصر به فرد فرهنگی و بی‌توجهی به ارزش‌های مراکز قدیمی و هویت‌ساز شهر شده است. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال ایجاد یکپارچگی فرهنگی، احیاء فرهنگ و همچنین تقویت هویت زیارتی-سیاحتی شهر مشهد است. هدف پژوهش دستیابی به راهبردهای اساسی در راستای فرهنگ‌پذیری محلات منتخب شهر مشهد به وسیله شهر یادگیرنده و تأکید بر نقش مراکز آموزش عالی است. بنابراین به دنبال تشخیص و تبیین مؤلفه‌های فضاهای فرهنگی و ترغیب‌کننده یادگیری و همچنین استخراج چارچوب شهر یادگیرنده به منظور فرهنگ‌پذیری و تقویت هویت فرهنگی شهر مشهد است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های موجود در زمینه موضوع مقاله شامل دو دسته هستند؛ پژوهش‌هایی که در ارتباط با مفهوم فرهنگ پذیری بیشتر در حوزه جامعه‌شناسی و در ارتباط با شهر یادگیرنده در ادبیات شهرسازی، مورد بررسی قرار گرفته‌اند که پژوهش‌های داخلی را شامل می‌شوند و هر یک از مفاهیم کلیدی پژوهش در آن‌ها به صورت مجزا بررسی شده است. دسته دوم، پژوهش‌های خارج از ایران که به مراکز آموزش عالی به عنوان یکی از ارکان شهرهای یادگیرنده در زمینه فرهنگ پذیری پرداخته‌اند، و مفاهیم کلیدی پژوهش را در ارتباط با یکدیگر مورد بررسی قرار داده‌اند. پژوهش حاضر بر اساس دسته دوم، به دنبال فرهنگ پذیری اجتماعات شهری با استفاده از چارچوب شهرهای یادگیرنده است و در این زمینه بر نقش مراکز آموزش عالی به عنوان فضایی فرهنگی و آموزشی تأکید دارد. جدول شماره (۱) پژوهش‌های مرتبط با مفاهیم کلیدی بررسی شده داخل و خارج از کشور را نمایش داده است.

جدول ۱. پژوهش‌های صورت‌گرفته در زمینه مفاهیم کلیدی پژوهش

مفاهیم کلیدی پژوهش				مؤلف و سال پژوهش
فرهنگ‌پذیری	مراکز آموزش عالی	یادگیری اجتماعی و مادام‌العمر	شهر یادگیرنده	
				Yanming, 2011
				Soonghee, 2011
				Han & Makino, 2013
				Osborne, Kearns & Yang, 2013
				Yang, 2013
				Tibbitt, 2014
				Jogi, Karu & Krabi, 2015
				UNESCO, 2015a
				Kearns, 2015
				Peercy & Svenson, 2016
				UNESCO, 2016
				Seddon, 2016
				Peercy & Svenson, 2016
				Ozer, Bertelsen, Singla, & Schwartz, 2017
				UNESCO, 2017
				رتوفی، ۱۳۷۴
				محمدی مهر، ملکی، عباس‌پور و خوشدل، ۱۳۹۰
				آراسته و امیری، ۱۳۹۱
				مهدوی نژاد، بمانیان و امینی، ۱۳۹۲
				موسی کاظمی، رهنمایی، فیروزنیا و گلپایگانی، ۱۳۹۳
				سلمان‌زاده، ۱۳۹۴
				سرور، اکبری و طالبی انبوهی، ۱۳۹۵

	اشاره مستقیم به مفهوم
	اشاره غیرمستقیم به مفهوم

بنیان‌های نظری پژوهش

فرهنگ و فرهنگ‌پذیری در شهر

فرهنگ و بازنده‌های فرهنگی، جزئی جدایی‌ناپذیر از مناسبات شهر محسوب می‌شوند و هر شهری با فرهنگ و بازنده‌های فرهنگی مختص به خود، شناخته می‌شود (لطفی، ۱۳۹۰، ۴۸) که نشان‌دهند هویت، حافظه، میراث و آداب و رسوم گوناگون آن جامعه است (Clark *et al.*, 2001, 3). شهرها از منابع فرهنگی محلی به منظور هدایت و سرعت بخشیدن به تغییرات اجتماعی و اقتصادی استفاده می‌نمایند (Duxbury *et al.*, 2016, 10). همچنین آنها، گروه‌های مختلفی از مردم با ملیت‌ها و زمینه‌های فرهنگی متفاوت را گرد هم می‌آورند و اهدافی را به کار می‌گیرند که به وسیله آن اهداف، اقدامات اجتماعی و ارتباط میان گروه‌های مختلف فرهنگی را تسهیل می‌بخشند (Clark *et al.*, 2001, 3). بنابراین شهرها و فضاهای شهری بستری به منظور ارتباط اقوام، گروه‌ها و جریانات مختلف فرهنگی و فرهنگ‌پذیری جوامع به شمار می‌روند.

فرهنگ‌پذیری ناظر بر تغییراتی است که افراد در پاسخ به محیط فرهنگی خود صادر می‌کنند تا قدرت مواجهه با چالش‌های ناشی از برخورد دو فرهنگ متفاوت را داشته باشند (تقی یاره، ۱۳۹۲، ۱۰۰)، یا به بیانی دیگر تغییرات فرهنگی که در نتیجه ارتباط دو یا چند نظام فرهنگی مستقل از هم شکل گرفته است (Lakey, 2003, 104; Berry, 2003, 18; Berry, 2008, 330; Sam & Berry, 2010, 473). فرهنگ‌پذیری با یادگیری مهارت‌های مرتبط با فرهنگ شکل می‌گیرد، که این مهارت‌ها برای ارتباط با محیط فرهنگی جدید مورد نیاز است (Masgoret & Ward, 2006, 59; Yu & Wang, 2011, 192). بنابراین فرهنگ‌پذیری، مستلزم یادگیری به منظور مقابله با شرایط فرهنگی جدید است.

۲-۳. یادگیری و شهر یادگیرنده^۲

مفهوم شهر یادگیرنده برگرفته از «جامعه یادگیرنده» است (Osborne *et al.*, 2013, 410). جامعه‌ای که یادگیری در آن به عنوان ویژگی کلیدی محسوب می‌شود (Soonghee, 2011, 211). موضوع مشترک در اجتماعات یادگیرنده، استفاده صریح از یادگیری مادام‌العمر^۱ به عنوان منبع کلیدی مشارکت مردمی، شمول و انسجام اجتماعی است (Cappon & Laughlin, 2013, 516).

شهر یادگیرنده به طور صریح از یادگیری مادام‌العمر به عنوان اصل سازمان‌دهی به منظور ترویج همکاری میان بخش‌های مدنی، اقتصادی، عمومی، داوطلبانه و آموزش و پرورش در راستای ارتقای شرایط اجتماعی، اقتصادی و محیط‌زیست بر مبنای پایدار و فراگیر، استفاده می‌کند (Cappon & Laughlin, 2013, 516). این شهر به دموکراتیزه شدن زندگی اجتماعی و امکان ایجاد جامعه از بطن فضاهای شهری کمک می‌کند (Messina & Cotera, 2013, 427). شهرهای یادگیرنده با هدف افزایش اقدامات جمعی، بستر کالبدی عملکردهایی که نیازمند اقدامات جمعی و مشارکتی مردم است را فراهم می‌آورند. آن‌ها فعالیت‌های جمعی، گفتگو، حفظ، سازش با محیط زندگی، گسترش نهادهای مردمی و آموزش شهروندی را تسهیل می‌کنند (Clark *et al.*, 2001, 6) و تمام منابع انسانی، فیزیکی و مالی خود را به شکل خلاقانه به منظور توسعه کامل پتانسیل انسانی همه شهروندان بسیج می‌کنند (Han & Makino, 2013, 444; Kearns, 2015, 156).

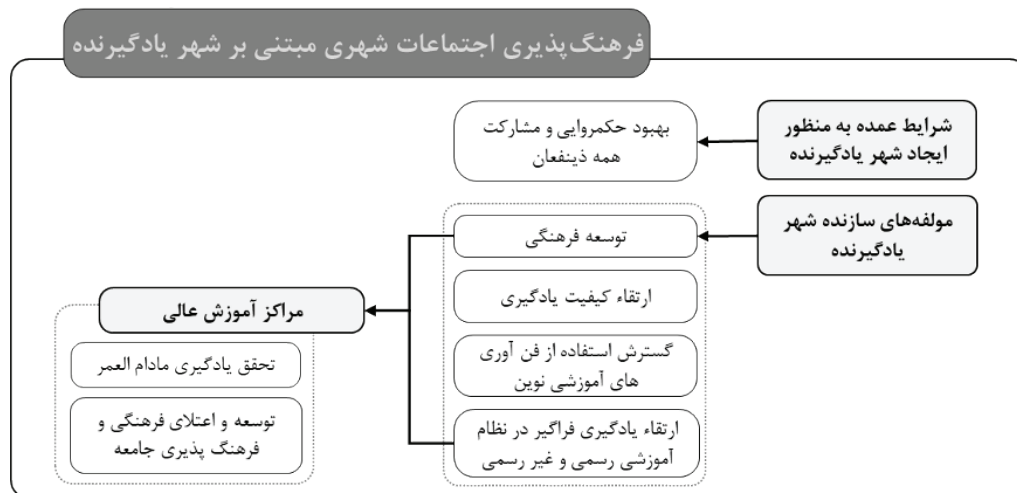
نقش مراکز آموزش عالی در فرهنگ‌پذیری

مراکز آموزش عالی با برخورداری از زمینه‌های گسترده‌ای از دانش و فضاهای باز آموزشی، قادرند

علاوه بر آموزه‌های تخصصی، زمینه‌های گسترش یادگیری در جنبه‌های غیر تخصصی را نیز فراهم کنند (Yanming, 2011, 199-201). این مراکز نیازمند فضای یادگیری هستند که در زندگی روزمره شهروندان ادغام شود تا بتواند میان جامعه و آموزش، واحدهای سیاسی و اقتصادی، واحد خانواده و زندگی مدنی ارتباطی پایدار برقرار نماید. به عبارت دیگر آموزش عالی این ظرفیت را دارا است که هم‌چون کلیتی هماهنگ‌کننده عمل کند تا تمام سازمان‌های محلی در آن به شکل واحد درآیند. این مراکز با اصلاح الگوی مدیریتی خود، می‌توانند فضاهای آموزشی هماهنگ با نیازهای جوامع محلی را در اختیار جوامع پیرامونی بگذارند. این دگرگونی نیازمند همکاری مراکز آموزش عالی مختلف با یکدیگر و انعطاف‌پذیری است تا بتوانند نیازهای توسعه اجتماعی و یادگیری فردی را فراهم سازند. بدین ترتیب عملکرد دانشگاه‌ها را در زمینه پرورش استعدادها و خدمات اجتماعی گسترش می‌باید و نقش مهمی در اصلاح و توسعه جامعه محلی پیدا می‌کند؛ به گونه‌ای که برای افراد در هر سنی و در زمینه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی در دسترس باشد (Yanming, 2011, 203-204). برای تحقق این دستورکار، دانشگاه دیگر در حصار جدا از شهر نیست. دانشگاه نه تنها بستر آموزش و پرورش است بلکه باید ارائه‌کننده خدمات به اجتماعات محلی باشد (صرافی، ۱۳۹۴، ۹). این خدمات می‌تواند شامل پردیس دانشگاه به عنوان فضای عمومی، پارک و همچنین به عنوان مرکزی اجتماعی و فرهنگی باشد (گامپرشت، ۱۳۹۲، ۸۱-۱۰۰).

چارچوب مفهومی پژوهش

چارچوب شهر یادگیرنده در محدوده مورد نظر دو بعد اصلی شرایط عمده ایجاد شهرهای یادگیرنده و مؤلفه‌های سازنده شهر یادگیرنده را شامل می‌شود (شکل ۱) و مراکز آموزش عالی به عنوان یکی از مؤلفه‌های سازنده شهر یادگیرنده در توسعه فرهنگی و ارتقاء یادگیری فراگیر، نقش تحقق یادگیری مادام‌العمر، توسعه و اعتلای فرهنگی و فرهنگ‌پذیری را به عهده دارد.



شکل ۱. چارچوب مفهومی پژوهش

مؤلفه‌ها و شاخص‌های چارچوب پیشنهادی در دو بعد اصلی و اصول مرتبط با هر بعد شامل بهبود حکمروایی و مشارکت همه‌ذینفعان، توسعه فرهنگی، ارتقاء کیفیت یادگیری، گسترش استفاده از فناوری‌های آموزشی نوین و ارتقاء یادگیری فراگیر در نظام آموزشی رسمی و غیررسمی در جدول ۲ بیان شده‌اند.

جدول ۲. تدقیق عناصر چارچوب مفهومی پژوهش

معیارها	مؤلفه‌ها	اصول	ابعاد
امکانات آموزشی و دسترسی برای تمام افراد اجتماع	آموزش و یادگیری برای کلیه افراد	ارتقاء یادگیری فراگیر در نظام آموزشی رسمی، نیمه رسمی و غیررسمی	مؤلفه‌های اصلی سازنده یادگیرنده
خدمات آموزشی مراکز آموزش عالی در دسترس اجتماع محلی	آموزش مهارت‌های زندگی به تمام افراد		
باز بودن فضای آموزشی برای جوامع محلی	ارتباط میان مراکز آموزش عالی و جامعه		
برخورداری از ابزارهای ICT	ابزارها و روش‌های نوین در یادگیری و آموزش	گسترش استفاده از فناوری‌های آموزشی نوین	
روش‌های آموزشی نوین			
شیوه‌های مختلف یادگیری	الگو آموزش و یادگیری	ارتقاء کیفیت یادگیری	
یادگیری در محیط‌های غیررسمی			
حضورپذیری فضاهای همگانی			
دسترسی فضاهای همگانی			
کاربری اراضی ترغیب‌کننده یادگیری			
سنت‌ها و میراث فرهنگی و تاریخی گذشته	هویت فرهنگی		
آگاهی فرهنگی - تاریخی شهروندان			
تنوع فرهنگی	همزیستی فرهنگ‌های مختلف	توسعه فرهنگی	
آموزش فرهنگ			
فعالیت‌های اجتماعی و گروهی			
مراکز فرهنگی اجتماع	فضاهای فرهنگی و تعاملات اجتماعی		
کاربری زمین فرهنگ محور			
آگاهی شهروندان در زمینه های فرهنگی و اجتماعی	ارتباط مراکز آموزش عالی و اجتماع محلی		
استفاده از پردیس مراکز آموزش عالی به عنوان فضای عمومی			
استفاده از پردیس مراکز آموزش عالی به عنوان مرکز اجتماعی و فرهنگی	فضای کابردی مراکز آموزش عالی		
مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و پذیرش مسئولیت اقدامات و فعالیت‌ها			
مشارکت شهروندان در ارائه فرصت‌های یادگیری	مشارکت تمام ذینفعان	مدیریت اجتماع محلی	تحقق حکمروایی شایسته
سیستم تصمیم‌گیری محلی شفاف			
پاسخگویی			

نقش آفرینی مراکز آموزش عالی در ارتقاء فرهنگ پذیری اجتماع شهری یادگیرنده؛
مظفر صرافانی
بررسی موردی: محله‌های سناباد و چنت، مشهد

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس هدف، در گروه تحقیقات کاربردی جای می‌گیرد، زیرا با بهره‌گیری از مبانی نظری مرتبط با محیط‌ها و شهرهای یادگیرنده به دنبال ایجاد زمینه‌های فرهنگ‌پذیری در محلات منتخب کلان شهر مشهد است. از جنبه ماهیت نیز چون مبتنی است بر سنجش میزان برخورداری محدوده‌ها از الزامات فرهنگ‌پذیری و امکانات آموزشی - فرهنگی و ارائه پیشنهادات، پژوهشی تحلیلی - تجویزی به شمار می‌آید.

روش استخراج و وزن‌دهی به معیارها و شاخص‌ها

در این پژوهش پس از مرور ادبیات نظری از منابع اسنادی، مؤلفه‌ها، معیارها و شاخص‌های شهرهای یادگیرنده و ویژگی محیط‌های یادگیرنده و فرهنگی استخراج شد؛ از آنجا که معیارها و شاخص‌ها اهمیت یکسانی در پژوهش ندارند، به منظور بهره‌گیری از آن‌ها در مراحل بعدی، ضریب اهمیت هر یک با روش ماتریس فراتلفیق تعیین شد. فراتلفیق ماتریسی با هدف نهایی تحلیل و ترکیب اطلاعات استخراج شده از مرور ادبیات نظری است (Murniarti *et al.*, 2018). این ماتریس اطلاعات و یافته‌های استخراج شده از مطالعات دیگر با موضع مرتبط و مشابه را بررسی می‌کند و با ترکیب پژوهش‌های مختلف به یکپارچه‌سازی معیارهایی در مورد متغیر مورد نظر پژوهش می‌پردازد. این روش مستلزم بازنگری دقیق، عمیق و ترکیب یافته‌های پژوهش‌های مرتبط است (پاکساز و عبدلی، ۱۳۹۸). در این پژوهش به منظور رویایی نظری و ارزش‌گذاری معیارها و شاخص‌ها از این روش در گام‌های زیر استفاده شده است:

- گام نخست: مرور ادبیات نظری مرتبط با شهرهای یادگیرنده و ویژگی محیط‌های یادگیرنده و فرهنگی؛
 - گام دوم: استخراج معیار و شاخص‌ها در این زمینه؛
 - گام سوم: تعیین شاخص ارزش‌گذاری به منظور وزن‌دهی به شاخص‌ها و معیارها؛
- هدف فراتلفیق ایجاد یک تفسیر خلاقانه و یکپارچه از یافته‌های کیفی است. این روش مطالعات پیشین را بر اساس متغیرهایی با قابلیت اعتماد بالا یکپارچه می‌کند و قابلیت تعمیم‌پذیری یافته‌ها را به دنبال دارد (کاظمیان و میرعابدینی، ۱۳۹۱). به منظور استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده‌ها، براساس فراوانی منابع تکرار کننده اعتبار معیارها و شاخص‌های پژوهش تعیین می‌شود.
- گام چهارم: وزن‌دهی به معیارها و شاخص‌ها بر اساس تکرارپذیری در گام پیشین. جدول (۳) معیارها و شاخص‌های استخراج شده از منابع و وزن آن‌ها را نمایش داده است.

جدول ۳. ضریب اهمیت شاخص‌ها و ابزار سنجش هر یک از شاخص‌ها

وزن معیار	شاخص	منبع	روشن جمع آوری اطلاعات	وزن شاخص	امتیاز نهایی شاخص
۰.۰۳۹	امکانات آموزشی اجتماع	میزان امکانات آموزشی موجود (مدارس، کتابفروشی‌ها، مراکز علمی و تحقیقاتی، مراکز آموزش عالی، مساجد، مراکز فرهنگی و هنری)	اسناد، نقشه	۰.۰۲۲۶	۰.۰۰۰۹
		میزان دسترسی به امکانات آموزشی محدوده		۰.۰۲۲۶	۰.۰۰۰۹
۰.۰۴۳	دسترسی به امکانات برای همه افراد	سهم گروه‌های خاص برای آموزش و یادگیری	داده‌های آماری	۰.۰۲۲۶	۰.۰۰۱۱
۰.۰۵۱	خدمات آموزشی مراکز اجتماع محلی	میزان برخورداری از برنامه‌های آموزشی تخصصی و عمومی در دسترس اجتماع محلی	مصاحبه با مطلعین کلیدی	۰.۰۲۲۶	۰.۰۰۱۵
		امکان دسترسی اجتماع محلی به خدمات مراکز آموزش عالی		۰.۰۲۴۹	۰.۰۰۱۱
		امکان دسترسی اجتماع محلی به کتابخانه و پایگاه داده‌های الکترونیکی مراکز آموزش عالی		۰.۰۲۴۹	۰.۰۰۱۶
۰.۰۴۷	برخورداری از ابزارهای ICT	تعداد مراکز آموزشی برخوردار از ICT برای فعالیت‌های آموزشی	اسناد	۰.۰۲۷۱	۰.۰۰۱۳
۰.۰۴۳	شیوه‌های مختلف یادگیری	میزان برخورداری از اشکال مختلف فعالیت‌های آموزشی سازمان‌یافته خارج از آموزش رسمی	پرسشنامه	۰.۰۲۴۹	۰.۰۰۱۱
		تعداد فضاهای عمومی، نهادهای مردمی و سازمان‌های برخوردار از پتانسیل یادگیری غیررسمی	اسناد، نقشه، پرسشنامه	۰.۰۲۴۹	۰.۰۰۱۱
		تعداد پتانسیل‌های موجود به منظور ایجاد فضاهای یادگیری غیررسمی	اسناد، نقشه، پرسشنامه	۰.۰۲۴۹	۰.۰۰۱۶
۰.۰۳۹	حضور پذیری فضاهای همگانی	برخورداری فضاهای عمومی اجتماع از امکان نظارت برخورداری فضاهای همگانی از تسهیلات کافی برای افراد ناتوان	پرسشنامه و مشاهده	۰.۰۲۲۶	۰.۰۰۱۳
		برخورداری از تنوع عملکردی برخورداری از سبک‌های مختلف دسترسی (دوچرخه و پیاده)	اسناد، نقشه و مشاهده	۰.۰۲۲۶	۰.۰۰۱۳
		تعداد فضاهای سبز و باز	پرسشنامه و مشاهده	۰.۰۲۲۶	۰.۰۰۱۳
		تعداد فضاهای چند عملکردی	پرسشنامه و مشاهده	۰.۰۲۲۶	۰.۰۰۱۳
		تعداد فعالیت و خدمات ورزشی	پرسشنامه و مشاهده	۰.۰۲۲۶	۰.۰۰۱۳
۰.۰۳۱	سنت‌ها و میراث فرهنگی و تاریخی گذشته	تعداد عناصر و میراث ارزشمند فرهنگی-تاریخی	اسناد	۰.۰۱۸۱	۰.۰۰۰۶
۰.۰۳۱	آگاهی فرهنگی-تاریخی شهروندان	میزان آگاهی شهروندان نسبت به تاریخ و ارزش‌های فرهنگی خود و سایر فرهنگ‌ها	پرسشنامه	۰.۰۱۸۱	۰.۰۰۰۸
۰.۰۴۳	تنوع فرهنگی	سهم مهاجران اجتماع نسبت به کل افراد	داده‌های آماری	۰.۰۲۴۹	۰.۰۰۱۱
		برخورداری از برنامه‌های آموزشی مرتبط با فرهنگ	پرسشنامه	۰.۰۲۴۹	۰.۰۰۱۶
		میزان برخورداری از رویدادها و جشنواره‌های عمومی قومیت‌های مختلف	پرسشنامه	۰.۰۲۴۹	۰.۰۰۱۶
۰.۰۳۹	مراکز فرهنگی اجتماع	میزان تمایل شهروندان به تعامل با یکدیگر	پرسشنامه	۰.۰۲۴۹	۰.۰۰۱۶
		تعداد مراکز و نهادهای فرهنگی		۰.۰۲۲۶	۰.۰۰۰۹
		میزان تنوع فعالیت‌های فرهنگی		۰.۰۲۲۶	۰.۰۰۱۳
		تعداد فعالیت‌های تفریحی و جذاب جمعیت	اسناد، نقشه	۰.۰۲۲۶	۰.۰۰۱۳
۰.۰۳۰	آگاهی شهروندان در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی	میزان تنوع در ساعات کار فعالیت‌ها (کاربردی‌های فعال در شب)	مصاحبه با مطلعین کلیدی	۰.۰۱۱۳	۰.۰۰۰۲

معیار	وزن معیار	شاخص	منبع	روش جمع‌آوری اطلاعات	وزن شاخص	امتیاز نهایی شاخص
استفاده از پردیس مراکز آموزش عالی به‌عنوان فضای عمومی	۰۰۰۲۴	میزان دسترسی اجتماع محلی به خدمات مراکز آموزش عالی	Yanming, 2011 محمدی مهر، ملکی، عباس پور و خوشدل، ۱۳۹۰؛ اراسته و امیری، ۱۳۹۱؛ کامرشت، ۱۳۹۲؛ موسی کاظمی، رهنمایی، فیروزنیا و گلیایگانی، ۱۳۹۳	پرسشنامه	۰۰۰۱۳۶	۰۰۰۰۳
	۰۰۰۲۴	میزان فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مراکز آموزش عالی برای اجتماع محلی	Tibbitt, 2014; Clark, Hawkes, & Untaru, 2001; Montgomery, 2003; Roberto, 2011; Yang, 2012; Kleine, 2013; Tibbitt, 2014; UNESCO, 2015a; UNESCO, 2015b; UNESCO, 2015c; Milana, Palle, & Holford, 2016; Byun & Ryu, 2012 ملکی نیا، بازگان، واعظی واحمدیان، ۱۳۹۳؛ موسی کاظمی، رهنمایی، فیروزنیا و گلیایگانی، ۱۳۹۳؛ عسگری قوامی و پرتوی، ۱۳۹۲؛ سرور، اکبری و طالشی انبوهی، ۱۳۹۵؛ سلمان زاده، ۱۳۹۴		۰۰۰۲۶	۰۰۰۳۸۵
مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و پذیرش مسئولیت اقدامات و فعالیت‌ها	۰۰۰۶۷	میزان تمایل شهروندان به مشارکت در امور محله	Clark, Hawkes, & Untaru, 2001; Montgomery, 2003; Roberto, 2011; Yang, 2012; Byun & Ryu, 2012; Kleine, 2013; Tibbitt, 2014; UNESCO, 2015a; UNESCO, 2015b; UNESCO, 2015c; Milana, Palle, & Holford, 2016 سرور، اکبری و طالشی انبوهی، ۱۳۹۵؛ موسی کاظمی، رهنمایی، فیروزنیا و گلیایگانی، ۱۳۹۳؛ عسگری قوامی و پرتوی، ۱۳۹۳	پرسشنامه	۰۰۰۳۸	۰۰۰۳۸
		میزان مشارکت شهروندان در مراحل مختلف تهیه طرح‌ها			۰۰۰۳۸	۰۰۰۳۸۵
		برخوردری از نهادهای مدیریت محلی			۰۰۰۳۸	۰۰۰۳۸۵
مشارکت شهروندان در ارائه فرصت‌های یادگیری	۰۰۰۵۵	میزان تمایل شهروندان به ارائه استعدادها و توانایی‌های خود برای سایر شهروندان	Clark, Hawkes, & Untaru, 2001; Montgomery, 2003; Roberto, 2011; Yang, 2012; Byun & Ryu, 2012; Kleine, 2013; Tibbitt, 2014; UNESCO, 2015a; UNESCO, 2015b; UNESCO, 2015c; Milana, Palle, & Holford, 2016 سرور، اکبری و طالشی انبوهی، ۱۳۹۵؛ موسی کاظمی، رهنمایی، فیروزنیا و گلیایگانی، ۱۳۹۳؛ عسگری قوامی و پرتوی، ۱۳۹۳	پرسشنامه	۰۰۰۱۷	۰۰۰۳۱۷
		میزان تمایل شهروندان به مشارکت در فعالیت‌های یادگیری اجتماعی محلی			۰۰۰۲۵	۰۰۰۳۱۷
سیستم تصمیم‌گیری محلی شفاف	۰۰۰۵۵	میزان آگاهی شهروندان از برنامه‌های توسعه محلی	Montgomery, 2003; Yang & Cotera, 2011; Roberto, 2011; Yang, 2012; Kleine, 2013; Tibbitt, 2014; UNESCO, 2015a; UNESCO, 2015b; UNESCO, 2015c; Milana, Palle, & Holford, 2016 ملکی نیا، بازگان، واعظی واحمدیان، ۱۳۹۳؛ موسی کاظمی، رهنمایی، فیروزنیا و گلیایگانی، ۱۳۹۳؛ عسگری قوامی و پرتوی، ۱۳۹۲؛ سرور، اکبری و طالشی انبوهی، ۱۳۹۵	۰۰۰۱۷	۰۰۰۳۱۷	۰۰۰۰۱۷
پاسخگویی	۰۰۰۵۵	میزان پاسخگویی مدیریت محلی به مشکلات محله	Montgomery, 2003; Yang & Cotera, 2011; Roberto, 2011; Yang, 2012; Kleine, 2013; Tibbitt, 2014; UNESCO, 2015a; UNESCO, 2015b; UNESCO, 2015c; Milana, Palle, & Holford, 2016 ملکی نیا، بازگان، واعظی واحمدیان، ۱۳۹۳؛ موسی کاظمی، رهنمایی، فیروزنیا و گلیایگانی، ۱۳۹۳؛ عسگری قوامی و پرتوی، ۱۳۹۲؛ سرور، اکبری و طالشی انبوهی، ۱۳۹۵	۰۰۰۲۵	۰۰۰۳۱۷	۰۰۰۰۲۵
	۱				۱	

روش انتخاب بررسی موردی

کلان‌شهر مشهد دارای ساختار اجتماعی و فرهنگی پیچیده خاص خود است. پذیرش مهاجران در طولانی مدت به دلیل وجود حرم امام رضا (ع)، تنوعی از گروه‌های قومی را در مشهد به وجود آورده است. حضور انبوه مهاجران و گردشگران به دنبال رونق اقتصادی و سرزندگی اجتماعی-فرهنگی شهر، انبوهی از نیازها و مسائل مختلف را به همراه دارد. که از جمله مهم‌ترین پیامدهای آن می‌توان به حذف، کم‌رنگ شدن و بی‌اعتنایی شهروندان به بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای گذشته، تضعیف هویت فرهنگی شهروندان و تجاری شدن عناصر فرهنگ سنتی در سطح کلان‌شهر مشهد اشاره کرد. با توجه به حضور فرهنگ‌ها و جریان‌های مختلف فرهنگی مبتنی بر حضور زائران و مهاجرپذیری شهر مشهد و برخوردارگی از زمینه فرهنگی مورد نظر پژوهش، این شهر به‌عنوان مورد پژوهشی این پژوهش در سطح کلان انتخاب شده است. برای تعیین مورد پژوهشی در سطح خرد، مراحل به شرح ذیل طی شده است:

- گام نخست واحد تقسیمات محله و معیارهای انتخاب محلات: واحد تقسیمات محله با برخوردارگی از پیوندهای اجتماعی و فرهنگی میان شهروندان، از هم‌افزایی مثبت در پیشبرد اهداف فرهنگ‌پذیری برخوردار است. معیارهای انتخاب محلات نیز، بر اساس مرور مبانی نظری پژوهش شامل سهم مهاجران وارد شده به محله طی ۱۰ سال گذشته و میزان برخوردارگی از امکانات آموزشی و فرهنگی محله (شامل مراکز آموزش عالی، مدارس، کتابخانه‌ها، فرهنگ‌سرا و نظیر آن) است.
- گام دوم محلات سناباد و جنت شهر مشهد: با در نظر داشتن دو معیار ذکر شده و بر پایه داده‌های منتج از مصاحبه با کارشناسان شورای اجتماعی محلات شهرداری مشهد و همچنین بررسی اسناد موجود، محلات سناباد و جنت به عنوان محدوده مطالعاتی پژوهش در نظر گرفته شده‌اند. بنابراین

واحدی متشکل از محلات منتخب که از یک سو بستر ترکیب فرهنگی و از سوی دیگر فرصت تقویت فرهنگ پذیری در آن‌ها وجود داشته باشد، به‌عنوان مورد پژوهشی در سطح خرد انتخاب شده‌اند.

این دو محله از قدیمی‌ترین محلات شهر مشهد محسوب می‌شوند که به واسطه موقعیت‌شان در هسته مرکزی شهر، دارای شرایط ویژه‌ای میان سایر محلات شهر هستند. وجود بارگاه مطهر رضوی، ادارات مرکزی، مراکز آموزش عالی و همچنین مراکز مهم تجاری و فرهنگی در مجاورت این محلات، حضور زائران، مهاجران و جریان‌های متعدد فرهنگی را به‌دنبال دارد (دبیرخانه شورای اجتماعی محلات مشهد، ۱۳۹۶). این موضوع از سویی زمینه را برای حضور جریان‌های فرهنگی مختلف در این محلات ایجاد نموده و از سویی دیگر، پتانسیلی به‌منظور پیشبرد اهداف فرهنگ‌پذیری و توسعه فرهنگی محسوب می‌شود.

روش‌های گردآوری و تحلیل داده‌ها

اطلاعات مورد نیاز شاخص‌های پژوهش از روش‌های اسنادی شامل طرح جامع و تفصیلی شهر مشهد و اسناد ارتقاء محلات سناباد و جنت، و پیمایش میدانی به‌صورت مشاهده، پرسشنامه از ساکنان محلات، مصاحبه از مطلعین کلیدی در معاونت آموزشی و فرهنگی مراکز آموزش عالی واقع در محدوده مطالعاتی و همچنین پایگاه داده‌های آماری و مکان مرجع شهر مشهد جمع‌آوری شده است (جدول ۳). به‌دلیل عدم برخوردار بودن محدوده مطالعاتی از ساختی همگن برای جمع‌آوری داده‌ها از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای^۱ استفاده شد. این روش زمانی به کار گرفته می‌شود که جامعه آماری دارای ساخت همگن و متجانس نبوده و از اجزای گوناگون تشکیل شده باشد. در چنین مواردی می‌بایست جامعه به طبقاتی تقسیم شود که هر یک از آن‌ها دارای ساخت متجانسی باشند و سپس از هر طبقه (به‌صورت یک جامعه آماری خاص) یک نمونه انتخاب می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۶۸، ۳۸۹). برپایه شاخص‌های شبکه دسترسی، دسترسی به خدمات محله‌ای، منزلت اجتماعی و سهم مهاجران وارد شده، محدوده مطالعاتی به هفت محدوده همگن طبقه‌بندی شد و حجم نمونه‌گیری با استفاده از فرمول کوکران^{۱۰} (با مفروضات؛ N حجم جامعه مورد مطالعه: ۱۱۹۲۲، Z ضریب اعتماد به نتایج: ۸۰٪ و $d=0.052$) ۱۵۰ نفر محاسبه شده، که سهم هر محدوده همگن با توجه به سهم جمعیت آن از جمعیت کل (۱۱۹۲۲ نفر) برآورد شد.

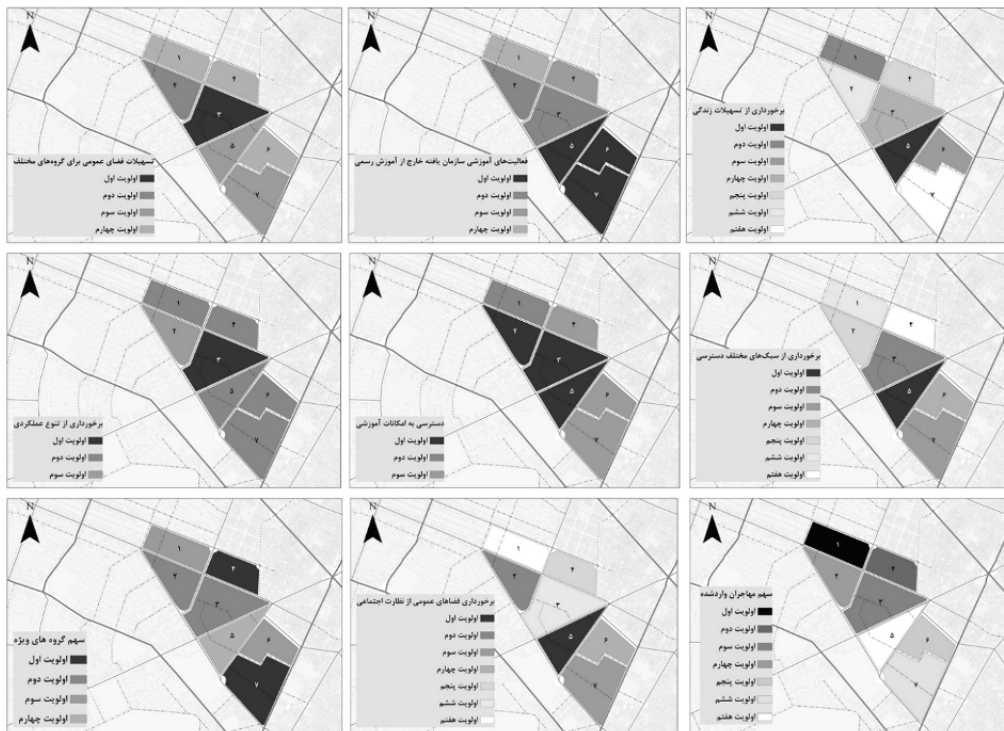
سنجش پایایی سؤالات پرسشنامه از طریق محاسبه ضریب ابزار آلفای کرونباخ صورت گرفت که برای مجموعه پرسش‌های پرسشنامه بین ۰/۷۰۱ تا ۰/۸۸۵ و در محدوده قابل قبول قرار دارد. پس از جمع‌آوری اطلاعات، شاخص‌های توزیع جمعیتی و فضایی بر اساس تعداد و سطح مراکز موردنظر و همچنین شاخص توزیع جمعیتی به‌منظور تحلیل سؤالات پرسشنامه و بر اساس تعداد افراد پاسخگو سنجیده شده است (شکل ۲). نحوه محاسبه شاخص‌ها به شرح زیر است.

- شاخص توزیع جمعیتی^{۱۱}: تعداد امکانات موجود در محدوده / تعداد جمعیت محدوده (نفر)؛
- شاخص توزیع فضایی: تعداد امکانات موجود در محدوده / مساحت محدوده (هکتار)؛
- شاخص‌های اجتماعی: تعداد پاسخگویان به یک پرسش در هر محدوده بر کل پاسخگویان محدوده مطالعاتی (شهرداری مشهد، ۱۳۸۶، ۳۴).

با محاسبه شاخص‌های توزیع جمعیتی، فضایی و اجتماعی برای هر محدوده همگن به ازای هر شاخص مقادیری محاسبه و به‌منظور ارزیابی در مراحل بعد این داده‌ها استاندارد شدند. با تقسیم کردن اختلاف مقادیر هر شاخص از میانگین به انحراف معیار، مقادیر اصلی شاخص‌ها استاندارد شدند. به‌منظور تبدیل شاخص استاندارد-Z از فرمول زیر استفاده شده است (کلاتری، ۱۳۹۱):

$$Z = \frac{(x_i - \bar{x}_i)}{\sqrt{\frac{\sum(x_i - \bar{x}_i)^2}{N}}}$$

N = تعداد؛ Z = مقدار استاندارد شده؛ \bar{x}_i = مقدار میانگین؛ x_i = مقدار متغیر



شکل ۲. بررسی شاخص‌های پژوهش در محدوده‌های همگن

حاصل ضرب مقادیر استاندارد شده با ضریب اهمیت معیارها و شاخص‌ها، که بر اساس روش فراتلفیق و با استناد به میزان تکرارپذیری در مبانی نظری تعیین شد، امتیاز نهایی هر شاخص برای هر محدوده را تعیین نمود (جدول ۳). این امتیاز به دو روش مورد استفاده قرار گرفته است:

الف) رتبه‌بندی محدوده‌ها از نظر برخورداری از زیرساخت‌ها و الزامات فرهنگ‌پذیری که بدین منظور پس از استاندارد کردن مقادیر هر یک از شاخص‌ها برای هر محدوده همگن، مقادیر حاصل از تمام شاخص‌های بررسی شده با یکدیگر جمع و امتیاز نهایی هر محدوده محاسبه شد. در ادامه این ارقام به صورت صعودی مرتب شدند و محدوده‌های همگن در رتبه‌های اول تا هفتم برخورداری از زیرساخت‌های فرهنگ‌پذیری مشخص شدند.

ب) شناسایی اولویت‌های اقدام و مداخله برای هر یک از محدوده‌های همگن با روش نقطه شکست؛ برآورد نقطه شکست یکی از روش‌های طبقه‌بندی داده‌های آماری بر اساس وزن شاخص‌ها است. این طبقه‌بندی بر حسب میانگین داده‌های آماری و میزان فاصله میانگین از انحراف معیار با استفاده از دستور Visual Binning و Make cutpoints در نرم‌افزار SPSS تعیین می‌شود. بر این اساس داده‌های استاندارد شده برای هر یک از محدوده‌های همگن به ترتیب نزولی مرتب شدند. با توجه به پراکندگی داده‌های پژوهش ۳ نقطه شکست و ۴ طبقه بر اساس اولویت اول تا چهارم تعیین شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش شامل شناسایی محدوده برخوردار از زیرساخت‌ها و الزامات فرهنگ‌پذیری، اولویت‌های مداخله برای هر یک از محدوده‌های همگن و در نهایت ارائه راهبردهای اساسی دستیابی به فرهنگ‌پذیری در محدوده محرک توسعه است.

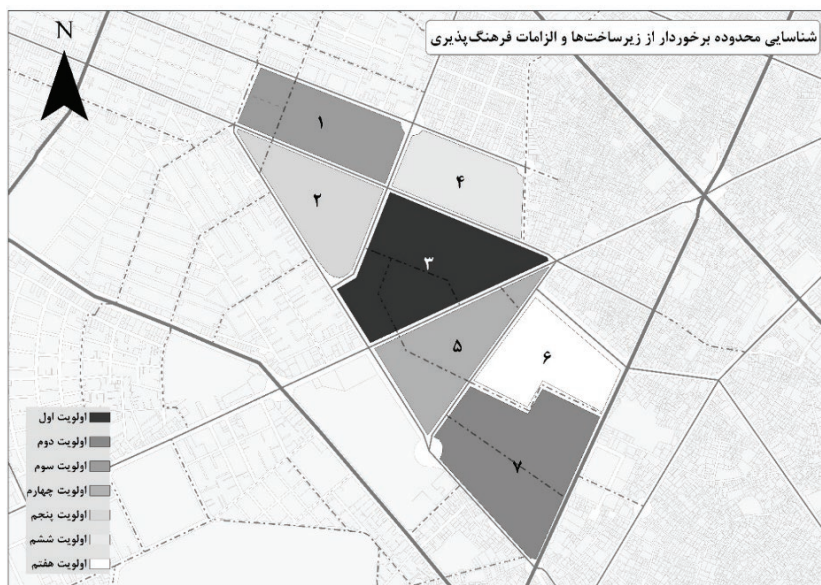
– شناسایی محدوده برخوردار از زیرساخت‌ها و الزامات فرهنگ‌پذیری

رتبه‌بندی محدوده‌های همگن با هدف شناسایی محدوده محرک توسعه فرهنگی و پیشبرد اهداف فرهنگ‌پذیری و شناسایی محدوده‌های دارای کمبود امکانات و نیازمند مداخله، صورت گرفته است. محدوده‌های همگن در رتبه‌های اول تا هفتم برخوردار از زیرساخت‌های فرهنگ‌پذیری مشخص شده‌اند (جدول ۴). این رتبه‌بندی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) در قالب نقشه‌ای یکپارچه ارائه گردیده است (شکل ۳).

جدول ۴. رتبه‌بندی محدوده‌های همگن در محدوده مطالعاتی مبتنی بر برخورداری از زیرساخت‌های فرهنگ‌پذیری

محدوده	یک	دو	سه	چهار	پنج	شش	هفت
امتیاز نهایی هر محدوده همگن	۰.۲۱۷	۰.۱۹۷	۰.۲۷۲	۰.۱۸۶	۰.۲۰۵	۰.۱۷۵	۰.۲۳۱
رتبه‌بندی برخورداری از الزامات فرهنگ‌پذیری	۳	۵	۱	۶	۴	۷	۲

محدوده سه اولویت اول در برخورداری از زیرساخت‌ها با شرایط مطلوب در پیشبرد اهداف فرهنگ‌پذیری و به‌گونه‌ای محرک توسعه فرهنگی در محدوده مطالعاتی محسوب می‌شود. محدوده‌های هفت و یک پس از محدوده سه، به ترتیب در اولویت‌های دو و سه در برخورداری از زیرساخت‌ها قرار دارند. سپس محدوده پنج و دو در اولویت چهارم و پنجم و تا حدودی دارای شرایط نامطلوب در برخورداری از الزامات و زیرساخت‌ها هستند و در نهایت محدوده شش با اولویت هفتم، شرایط بسیار نامطلوبی در برخورداری از زیرساخت‌ها و امکانات در محدوده مطالعاتی دارد که تأییدی بر تمرکز و اقدامات مداخله بیشتر در این محدوده در راستای دستیابی به اهداف پژوهش است.



شکل ۳. رتبه‌بندی محدوده‌های همگن در برخورداری از امکانات و زیرساخت‌های فرهنگ‌پذیری

– اولویت‌های مداخله برای هر یک از محدوده‌های همگن

اولویت‌های مداخله برای هر یک از محدوده‌های همگن بر اساس داده‌های استاندارد شده حاصل از بررسی شاخص‌ها در هر محدوده و برآورد نقطه شکست، به ترتیب در اولویت‌های اول تا چهارم دسته‌بندی شده است. پس از تعیین محدوده محرک توسعه فرهنگی، به منظور توسعه و تأمین امکانات سایر محدوده‌های همگن، اقدامات دارای اولویت برای هر یک شناسایی شده است. در بعد فضایی و عملکردی پیش‌بینی فضاهای برخوردار از پتانسیل یادگیری، تأمین فضاهای چندمنظوره، فضاهای عمومی سبز و باز، خدمات ورزشی و دسترسی به پردیس مراکز آموزش عالی و در بعد نهادی لزوم افزایش آگاهی افراد از ارزش‌های فرهنگ محلی خود و سایر فرهنگ‌ها، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در اقدامات آموزشی، در برنامه‌ریزی محلات باید مدنظر قرار گیرد.

جدول ۵. پیشنهادها و اولویت اول مداخله در محدوده‌های همگن

پیشنهادها و اقدامات دارای اولویت اول مداخله	
محدوده سه	- ایجاد شبکه یادگیری با بهره‌گیری از سازمان‌های یادگیری رسمی، نیمه‌رسمی و غیررسمی - ارتباط مراکز آموزش عالی و اجتماع محلی به‌منظور ارتقاء آگاهی فرهنگی شهروندان
محدوده هفت	- پیش‌بینی و مکان‌یابی فعالیت و خدمات ورزشی و سایر فرهنگ‌های موجود - افزایش آگاهی شهروندان نسبت به تاریخ و ارزش‌های خاص فرهنگی خود
محدوده یک	- پیش‌بینی و مکان‌یابی فضاهای چند عملکردی - حفاظت و احیاء عناصر و میراث ارزشمند فرهنگی – تاریخی - پیش‌بینی فعالیت‌های تفریحی و جاذب جمعیت از قبیل سالن‌ها و گالری‌ها، رستوران‌ها و مغازه‌های خاص
محدوده پنج	- افزایش آگاهی افراد از ارزش‌های فرهنگ محلی و فرهنگ‌های مهاجران - بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در مراکز و نهادهای آموزش محلی
محدوده دو	- تدوین برنامه‌های آموزشی مرتبط با فرهنگ (فرهنگ شهر مشهد و قومیت‌های مختلف) در مدیریت محله - ایجاد تنوع در ساعات کار فعالیت‌ها و وجود کاربری‌های فعال در شب
محدوده چهار	- حفاظت و احیاء عناصر و میراث ارزشمند فرهنگی – تاریخی - پیش‌بینی و مکان‌یابی فضاهای سبز و باز - بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در مراکز و نهادهای آموزش محلی
محدوده شش	- برگزاری همایش‌ها و سمینارهای علمی و یا سخنرانی‌های عمومی و آگاهی‌بخش با موضوعات فرهنگی و اجتماعی - دسترسی به پردیس مراکز آموزش عالی برای اعضای اجتماع (فضای سبز و باز، زمین‌های ورزشی، فضاهای تفریحی) - بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در مراکز و نهادهای آموزش محلی

– راهبردهای دستیابی به فرهنگی پذیری

راهبردهای اساسی و سیاست‌های متناظر با آن با تأکید بر محدوده محرک توسعه فرهنگی و پیشبرد اهداف فرهنگ‌پذیری (محدوده همگن ۳) مبتنی بر شاخص‌های دارای اولویت اول مداخله در این محدوده، اصول برگرفته از ادبیات نظری پژوهش و همچنین با در نظر گرفتن و تأکید بر نقش مراکز آموزش عالی در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶. راهبردهای متناسب با اولویت اول مداخله در محدوده همگن سه

سیاست	راهبرد
<ul style="list-style-type: none"> - پیش‌بینی رویدادهای عمومی و برگزاری کارگاه‌های تخصصی در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی - ارائه فرصت‌هایی برای یادگیری فرهنگی شامل نمایشگاه‌های ویژه، کارگاه‌های فرهنگی و نظیر آن - استفاده از پردیس دانشگاه به‌عنوان مرکز اجتماعی و فرهنگی - بهره‌گیری از پردیس دانشگاه به‌عنوان پارک و فضای عمومی و دربردارنده فعالیت‌های ورزشی و تفریحی برای اجتماع محلی - استفاده از نیروهای متخصص و باتجربه دانشگاهی و دانشجویان در ایجاد تشکلهای مردمی به‌منظور موفقیت بیشتر و تقویت مشارکت عمومی 	<p>همکاری شهر و مراکز آموزش عالی به‌منظور ارتقاء آگاهی فرهنگی شهروندان</p>
<ul style="list-style-type: none"> - باز بودن فضای مراکز آموزش عالی برای اجتماع محلی و تشویق افراد به استفاده از کتابخانه و ابزارهای آموزشی و به‌روزرسانی دانش آنها - جذب اعضای اجتماع محلی به برنامه‌های یادگیری از طریق ارائه فرم‌های مختلف آموزشی؛ مجازی، کوتاه‌مدت، دانشگاه باز، دانشگاه برای گروه سنی سوم و نظیر آن - هماهنگی میان دانشگاه‌های مختلف به‌منظور برنامه‌ریزی در راستای آموزش مداوم و ارائه‌های نقش‌های متفاوت به دانشگاه‌ها و دانشکده‌های مختلف - در دسترس قرار دادن آموزش‌های حرفه‌ای مداوم، مشاوره‌های استخدامی، خدمات رفاهی برای افراد اجتماع محلی 	<p>توسعه یادگیری مادام‌العمر به‌وسیله مراکز آموزش عالی</p>
<ul style="list-style-type: none"> - پیوند فیزیکی عناصر شبکه آموزشی به‌وسیله طراحی مسیرهای ویژه با تأکید بر حرکت پیاده و دوچرخه - تجهیز و توسعه نمایشگاه‌های کتاب موقت و غیرموقت در محدوده مطالعاتی (جمعه‌بازار کتاب - بازار کتاب گلستان) - اتصال شبکه آموزشی محدوده مطالعاتی با شبکه آموزشی شهر 	<p>شکل‌گیری شبکه آموزشی در پیوند با محیط پیرامون محدوده مطالعاتی</p>
<ul style="list-style-type: none"> - تشکیل کمیته شهر آموزنده متشکل از نمایندگان متخصص شهروندان و اعضای مدیریت شهری - پیش‌بینی فضاهایی به‌منظور ایجاد ارتباط میان شهروندان (نمایندگان شهروندان) و مدیریت شهری در تدوین برنامه‌ریزی شهر یادگیرنده - فراهم آوردن امکانات ایجاد انجمن‌های یادگیری محلی با مشارکت شهروندان 	<p>تشکیل نهاد مدیریتی به‌منظور سازمان‌دهی شهر یادگیرنده و هماهنگی بخش‌های مختلف با یکدیگر</p>
<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد فضاهای عمومی چندمنظوره در راستای فراهم نمودن نیازهای تفریحی و فراغت و همچنین یادگیری و آموزش شهروندان - تعریف فعالیت‌ها و عملکردهای سازگار و پشتیبان یادگیری در بناهای مخروبه و فعالیت‌های ناسازگار موجود - تعریف فعالیت‌های خیابانی متعدد شامل تئاتر، پیاده‌روهای فرهنگی، مجموعه موزه‌ها، ایجاد گذرهای فرهنگی و نظیر آن - پیش‌بینی برنامه‌های مشارکتی در طراحی یا بازسازی فضاهای شهری به‌وسیله ساکنان محله از جمله کودکان - بسازی مراکز تاریخی غیرفعال و بهره‌گیری از آن در زمینه‌های آموزش و یادگیری 	<p>توسعه فضاهای برخوردار از پتانسیل یادگیری در محدوده</p>

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از پتانسیل محیط‌ها و فضاهای یادگیرنده در محلات سناباد و جنت شهر مشهد، به دنبال دستیابی به اهداف فرهنگ‌پذیری و بهبود شرایط فرهنگی این محلات است. پس از سنجش شاخص‌های معرفی شده در محدوده مطالعاتی، بر اساس امتیاز نهایی هر یک از محدوده‌های همگن، محدوده محرک توسعه و پیشبرد اهداف فرهنگ‌پذیری شناسایی شدند. محدوده مورد نظر با برخورداری از پتانسیل‌های فرهنگی و آموزشی همانند مراکز آموزش عالی، مراکز فرهنگی، مراکز تجاری، فضاهای سبز و باز و نظیر آن، زمینه مناسبی به‌منظور تحقق اهداف فرهنگ‌پذیری در محدوده مطالعاتی را فراهم می‌آورد. ایجاد شبکه یادگیری با بهره‌گیری از سازمان‌های یادگیری رسمی، نیمه‌رسمی و غیررسمی محدوده، ارتباط مراکز آموزش عالی و اجتماع محلی و تشکیل نهاد مدیریتی به‌منظور سازمان‌دهی شهر یادگیرنده و هماهنگی بخش‌های مختلف با یکدیگر برای این محدوده پیشنهاد شد، تا به نقطه شروعی برای شبکه یادگیری یکپارچه در سطح محلات سناباد و جنت، و سپس در سطح کل شهر مشهد تبدیل شود. مراکز آموزش عالی با برخورداری از زمینه علمی و تخصصی و فضاهای باز آموزشی علاوه بر نقش تخصصی خود، باید زمینه‌های گسترش یادگیری اجتماعی و فرهنگی را نیز فراهم نمایند و اجتماعات محلی را به سمت توسعه فرهنگی و فرهنگ‌پذیری سوق دهند. در حال حاضر این مراکز در محلات سناباد و جنت نقش فعالی نداشته و در حاشیه مسائل مرتبط با اجتماع محلی قرار دارند. بنابراین در راستای دستیابی به اهداف پژوهش در محدوده مورد نظر ارتباط مراکز آموزش عالی و اجتماع محلی به‌منظور ارتقاء آگاهی فرهنگی شهروندان، دسترسی به پردیس مراکز آموزش عالی برای اعضای اجتماع (فضای سبز و باز، زمین‌های ورزشی، فضاهای تفریحی)، برگزاری همایش‌ها و سمینارهای علمی و یا سخنرانی‌های عمومی و آگاهی بخش با موضوعات فرهنگی و اجتماعی پیشنهاد شد تا این مراکز به عنوان یکی از ارکان اصلی و واحد هماهنگ‌کننده در شبکه یادگیری ایفای نقش نمایند.

به دنبال بهبود شرایط فرهنگی و اشاعه شبکه یادگیری در سایر بخش‌های محدوده، اقدامات دارای اولویت برای هر یک از محدوده‌های همگن شناسایی شدند. پیش‌بینی فضاهای برخوردار از پتانسیل یادگیری، تأمین فضاهای چندمنظوره و دسترسی به پردیس مراکز آموزش عالی و همچنین لزوم افزایش آگاهی افراد از ارزش‌های فرهنگ محلی خود و سایر فرهنگ‌ها، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در اقدامات آموزشی از مهم‌ترین اقدامات برشمرده است. در نهایت، راهبردهای اساسی و سیاست‌های متناظر با آن با توجه به وضعیت شاخص‌ها در محدوده محرک توسعه و همچنین با تأکید بر نقش مراکز آموزش عالی ارائه داده شد. که در زمینه همکاری شهر و مراکز آموزش عالی، به برگزاری رویدادهای عمومی و کارگاه‌های تخصصی، ارائه فرصت‌هایی برای یادگیری فرهنگی شامل نمایشگاه‌های ویژه، کارگاه‌های فرهنگی و نظیر آن اشاره شد. همچنین به منظور توسعه یادگیری مادام‌العمر به وسیله مراکز آموزش عالی، باز بودن فضای مراکز آموزش عالی برای اجتماع محلی و تشویق افراد به استفاده از کتابخانه و ابزارهای آموزشی و به‌روزرسانی دانش آن‌ها، هماهنگی میان دانشگاه‌های مختلف به منظور برنامه‌ریزی در راستای آموزش مداوم و ارائه‌های نقش‌های متفاوت به دانشگاه‌ها و دانشکده‌های مختلف، مطرح شد. پیوند فیزیکی عناصر شبکه آموزشی به وسیله طراحی مسیرهای ویژه با تأکید بر حرکت پیاده و دوچرخه، تجهیز و توسعه نمایشگاه‌های کتاب موقت و غیرموقت در محدوده مطالعاتی (جمعه‌بازار کتاب - بازار کتاب گلستان) و اتصال شبکه آموزشی محدوده مطالعاتی با شبکه آموزشی شهر نیز از سیاست‌های دستیابی به شبکه آموزشی در پیوند با محیط پیرامون محدوده مطالعاتی است. بنا بر آنچه بیان شد، مطالعه محلات سناباد و چنت در این پژوهش نشان داد که در شهری با وجود جریان‌های فرهنگی متفاوت و بعضاً در تضاد با یکدیگر همزیستی فرهنگی و فرهنگ‌پذیری، با در نظر گرفتن یادگیری اجتماعی و چارچوب شهرهای یادگیرنده و نقش آفرینی مراکز آموزش عالی به عنوان رکنی هماهنگ‌کننده، تسهیل‌گر و میانجی، امکان‌پذیر خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

1. Cultural Globalization
2. Acculturation
3. Social Learning
4. Informal
5. Non-formal: یادگیری غیررسمی در نتیجه انجام فعالیت‌های روزانه و مرتبط با کار، خانواده یا اوقات فراغت اتفاق می‌افتد (از منظر اهداف یادگیری، زمان یادگیری و پشتیبانی یادگیری) سازمان‌یافته نبوده و به گرفتن گواهی نیز منجر نمی‌شود. این نوع یادگیری ممکن است با خواست یا بدون خواست یادگیرنده اتفاق بیفتد؛ در این پژوهش تأکید بر یادگیری به شیوه‌های نیمه‌رسمی و غیررسمی است.
6. higher education centers
7. Learning City
8. Lifelong Learning
9. Stratified sample
10.
$$n = \frac{t^2 pq}{d^2} \div \left(1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right) \right)$$
۱۱. شاخص جمعیتی در مورد امکانات آموزشی متفاوت است و برحسب تعداد دانش‌آموزان در سن تحصیل با فرمول فوق محاسبه شده است.

فهرست منابع

- آراسته، حمیدرضا، و امیری، الهام (۱۳۹۱). نقش دانشگاه‌ها در آموزش توسعه پایدار. *نشریه نشاء علم*، ۲، ۲۹-۳۶.
- پاکساز، محمدحسین، و عبدلی، محمدرضا (۱۳۹۸). طراحی مدل تفسیری-ساختاری (ISM) عوامل مؤثر بر بهبود کنترل‌های داخلی شرکت‌ها مبتنی بر رویکرد فراترکیب. *دانش حسابرسی*، ۱۹ (۷۶)، ۲۳۱-۲۷۲.
- پتروفسکی، ارتور، رهنما، مجید، شامپیون، فردریک، فور، ادگار، قدوره، عبدالرزاق، لویز، هانری، و هررا، فیلیپ (۱۳۵۴). *آموختن برای زیستن* (مترجمان: محمد قاضی، پوری سلطانی، پرویز همایون پور، داور شیخاوندی و دبیرخانه کمیسیون ملی یونسکو). تهران: انتشارات امیر کبیر.
- تقی‌یاره، فاطمه (۱۳۹۲). مطالعه عوامل روانشناختی تأثیرگذار بر فرهنگ‌پذیری دانشجویان. *راهبرد فرهنگ*، ۲۳، ۹۹-۱۲۵.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۶۸). *کندوکاوها و پنداشته‌ها؛ مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- دبیرخانه شورای اجتماعی محلات (۱۳۹۶). *سند ارتقاء و تعالی محله سناباد و جنت*. مشهد: انتشارات بوی بهشت وابسته به سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد.
- رئوفی، محمود (۱۳۷۴). دانشگاه و توسعه فرهنگی. *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱۰، ۷۹-۱۰۶.
- سرور، رحیم، اکبری، مجید، و طالشی انبوهی، مرضیه (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شهر یادگیرنده (مطالعه موردی: شهر بناب). *فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی*، ۱۸، ۱۰۳-۱۱۶.
- سلمان زاده، سارا (۱۳۹۴). پارادایم تبیینی «شهر آموزش محور» تا «شهر پژوهش محور»؛ از شهر آموزش‌دهنده تا شهرهای علم و فناوری (تکنوپل). *مدیریت شهری*، ۳۸، ۱۰۵-۱۳۱.
- شهرداری مشهد (۱۳۸۶). *آمایش فرهنگی و سنجش نیازهای خانوار در مناطق دوازده‌گانه شهر مشهد*. مشهد: معاونت فرهنگی و اجتماعی دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی.
- صراف، مظفر (۱۳۹۴). *آموزش‌شناسی (پداگوژی) برنامه‌ریزان شهری برای بازآفرینی شهر پایدار: به سوی دانشگاه بی‌حصار و آموزش اجتماع-محور*. نخستین همایش ملی آموزش شهرسازی در ایران. تهران: دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا.
- عسگری قوامی، مهسا، و پرتوی، پروین (۱۳۹۳). بررسی امکانات و محدودیت‌های شهر بجنورد جهت تدوین راهبردهای عملیاتی برای ارتقای آن به شهر آموزش‌دهنده. *پیام مهندس*، ۳، ۵۳-۶۴.
- کاظمیان، غلامرضا، و میرعابدینی، زهره (۱۳۹۱). شناسایی ابعاد و راهکارهای تحقق مدیریت یکپارچه شهری با روش فراتلفیق. *چهارمین کنفرانس مدیریت و برنامه‌ریزی شهری*، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- کلانتری، خلیل (۱۳۹۱). *مدل‌های کمی در برنامه‌ریزی (منطقه‌ای، شهری و روستایی)*. تهران: فرهنگ صبا.
- گامیرشت، بلیک (۱۳۹۲). *شهر دانشگاهی در آمریکا* (مترجمان: احمد پور احمد، یوسف اشرفی، حسین کلانتری و مجدالدین زندوی). تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- لطفی، سهند (۱۳۹۰). بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا: تأملی بر بن‌مایه‌های فرهنگی و کنش بازآفرینی. *هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی*، ۴۵، ۶۰-۴۷.
- محمدی مهر، مژگان، ملکی، حسن، عباس‌پور، عباس، و خوشدل، علیرضا (۱۳۹۰). نقش آموزش عالی در یادگیری مادام‌العمر. *فصلنامه راهبردهای آموزش*، ۴، ۹۱-۹۴.
- ملکی‌نیا، عماد، بازرگان، عباس، واعظی، مظفرالدین، و احمدیان، مجید (۱۳۹۳). شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های دانشگاه پایدار. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۲۰، ۱-۲۶.
- موسی کاظمی، مهدی، رهنمایی، محمدتقی، فیروزنیا، قدیر، و گلپایگانی، محسن (۱۳۹۲). تحلیل عملکرد فضایی مراکز آموزش عالی در توسعه پایدار فرهنگ شهری کلان شهر تهران؛ مورد پژوهی: مناطق ۳ و ۱۹. *مجله آمایش جغرافیایی فضا*، ۸، ۴۷-۶۶.
- موسی کاظمی، مهدی، رهنمایی، محمدتقی، فیروزنیا، قدیر، و گلپایگانی، محسن (۱۳۹۳). عملکرد مراکز آموزش عالی در توسعه پایدار فرهنگ شهری. *جغرافیا (فصلنامه علمی-پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران)*، ۴۰، ۲۹-۴۵.
- مهدوی نژاد، محمد جواد، بمانیان، محمدرضا، و امینی، معصومه (۱۳۹۲). ارائه الگوها و روش‌های مطلوب تبدیل شهر تهران به شهر آموزش‌دهنده (با تأکید بر اصول و تجارب جهانی). *مدیریت شهری*، ۳۱، ۸۳-۱۰۶.

- Berry, J. (2003). *Conceptual approaches to acculturation*. American Psychological Association.
- Berry, J. (2008). Globalisation and acculturation. *International journal of intercultural relations*, 32(4), 328–336.
- Byun, J., & Ryu, K. (2012). Changes in Regional Communities: The Case of the Republic of Korea's Lifelong Learning City Project. *Advances in Developing Human Resources*, 14(3), 279–290.
- Cappon, P., & Laughlin, J. (2013). Canada's Composite Learning Index: A path towards learning communities. *International Review of Education*, 59(4), 505–519.
- Clark, S., Hawkes, J., & Untaru, S. (2001). *Culture and the Metropolis, the role of culture in urban development*. Melbourne: Department of Infrastructure.
- Curson, T., Graeme, E., Foord, J., & Shaw, P. (2007). *Cultural Planning Toolkit*. London: EDAW, PMP and the Cities Institute.
- Duxbury, N., Hosagrahar, J., & Pascual, J. (2016). *Why must culture be at the heart of sustainable urban development?* UCLG (United Cities and Local Governments). Agenda 21 for culture
- Guo, S. (2014). Revisioning Education for All in the age of migration: Global challenges and opportunities for lifelong learning. *International Review of Education*, 60(4), 481–497.
- Han, S., & Makino, A. (2013). Learning cities in East Asia: Japan, the Republic of Korea and China. *International Review of Education*, 59(4), 443–468.
- Jogi, L., Karu, k., & Krabi, K. (2015). Rethinking teaching and teaching practice at university in lifelong learning context. *International Review of Education*, 61(1), 61–77.
- Kearns, P. (2015). *Cultural Policies and Activities for Sustainable Learning Cities, Communities, and Regions*. PASCAL Learning City Networks. <http://pie.pascalobservatory.org>.
- Preisinger-Kleine, R. (2013). An analytical quality framework for learning cities and regions. *International Review of Education*, 59(4), 521–538.
- Lakey, P. (2003). Acculturation: A review of the literature. *Intercultural communication studies*, 12(2), 103–118.
- Masgoret, A. M., & Ward, C. (2006). Culture learning approach to acculturation. In D. L. Sam & J. W. Berry (Eds.), *The Cambridge handbook of acculturation psychology* (58–77). Cambridge University Press.
- Messina, G., & Valdes Cotera, R. (2013). Educating Cities in Latin America. *International Review of Education*, 59(4), 425–441.
- Milana, M., Palle, R., & Holford, J. (2016). The role of adult education and learning policy in fostering societal sustainability. *International Review of education*, 62(5), 523–540.
- Montgomery, J. (2003). Cultural Quarters as Mechanisms for Urban Regeneration; Part 1: Conceptualising Cultural Quarters. *Planning, practice & research*, 18(4), 293–306.
- Murniarti, E., Nainggolan, B., Panjaitan, H., Pandiangan, L., & Widyan, I. (2018). Writing matrix and assessing literature review: A methodological element of a scientific project. *Journal of Asian Development*, 4(2), 133–146.
- Osborne, M., Kearns, P., & Yang, J. (2013). Learning cities: Developing inclusive, prosperous and sustainable urban communities. *International Review of Education*, 59(4), 409–423.
- Ozer, S., Bertelsen, P., Singla, R., & Schwartz, S. (2017). Grab Your Culture and Walk with the

- Global: Ladakhi Students' Negotiation of Cultural Identity in the Context of Globalization-Based Acculturation. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 48(3), 294-318.
- Peercy, C., & Svenson, N. (2016). The role of higher education in equitable human development. *International Review of education*, 62(2), 139-160.
 - Roberto, C. (2011). *Discovering the treasure of learning*. In *Conceptual evolution and policy developments in lifelong learning* (5-23). Germany: UNESCO Institute for Lifelong Learning.
 - Sam, D., & Berry, J. (2010). Acculturation: When individuals and groups of different cultural backgrounds meet. *Perspectives on psychological science*, 5(4), 472-481.
 - Seddon, T. (2016). Sustainable development and social learning: Re-contextualising the space of orientation. *International Review of Education*, 62(5), 563-586.
 - Soonghee, H. (2011). Introduction to building a learning city. In Jin Yang and Raúl Valdés Cotera (Eds.), *Conceptual evolution and policy developments in lifelong learning* (209-221). Germany: UNESCO Institute for Lifelong Learning.
 - Tibbitt, John. (2014). *Learning cities 2020 (toolkit for helping cities learn)*. Scotland: PASCAL international observatory.
 - UNESCO. (2016). *Culture Urban Future: Global Report on Culture for Sustainable Urban Development*. Paris, France: The United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.
 - UNESCO. (2015a). *UNESCO Global Network of Learning Cities*. Hamburg, Germany: UNESCO Institute for Lifelong Learning (UIL).
 - UNESCO. (2015b). *Guidelines for Building Learning Cities UNESCO Global Network of Learning Cities*. Hamburg, Germany: UNESCO Institute for life long learning.
 - UNESCO. (2015c). Mexico City Statement on Sustainable Learning Cities. *Proceeding of the 2nd International Conference on Learning Cities*, Mexico City.
 - UNESCO. (2017). *Unlocking the Potential of Urban Communities Volume II Case Studies of Sixteen Learning Cities*. Hamburg: UNESCO Institute for Lifelong Learning.
 - Yang, J. (2013). Lifelong Learning for All & the international platform for Learning Cities. *Proceeding of the 8th ITU Symposium on ICTs, the Environment and Climate Change*, Turin, Italy.
 - Yang, J. (2012). *The development of a globe network of learning cities and a globe learning city index*. Copenhagen: UNESCO Institute for Life Long Learning.
 - Yang, J., & Valdés-Cotera, R. (2011). *Conceptual Evolution and Policy Developments in Lifelong Learning*. Hamburg, Germany: UNESCO Institute for Lifelong Learning.
 - Yanming, H. (2011). Reflections on the value of higher education. In lifelong learning, Jin Yang and Raúl Valdés Cotera (Eds.), *Conceptual evolution and policy developments in lifelong learning* (199-206). Germany: UNESCO Institute for Lifelong Learning.
 - Yu, W., & Wang, S. (2011). An Investigation into the Acculturation Strategies of Chinese Students in Germany. *Intercultural Communication Studies*, 20(2), 190-210.

Higher Education Centers' Role in Promoting the Acculturation of Learning Urban Community: Sanabad and Jannat Neighborhoods, Mashhad

Mozaffar Sarrafi

Professor, Department of Urban and Regional Planning and Design, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Vahide Ebrahim nia

Assistant Professor, Department of Urban and Regional Planning and Design, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Faezeh Hamedanchi

Master of Urban Planning, Department of Urban and Regional Planning and Design, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Abstract

Mashhad metropolis with the consistent presence of millions of pilgrims and travelers is a great center of communication among different ethnic groups and cultures. This issue has created numerous economic and tourism opportunities and laid the ground for the interaction of incongruent cultural trends in this city. These incongruent cultural trends support opposite values at times and this contrast has been the cause of cultural challenges in Mashhad city. The current study has aimed at improving the cultural identity of this city by applying the learning city approach and emphasizing the role of higher education centers. Learning city with creating an atmosphere for diverse experiences entails all the social and cultural groups and provides the context for the activities that require involvement in order to ease the process of learning and acculturation for the citizens. In this study, after reviewing the theoretical literature, the components, criteria, and indicators of learning cities and the characteristics of learning and cultural environments were extracted from documentary sources; and since the criteria and the indicators are not equally important in the research, in order to use them in the next steps, the coefficient of the importance of them has been determined by the meta-synthesis matrix. In the next step, Sanabad and Jannat neighborhoods were selected as the case studies of this research. The selection criteria were the cultural and educational conditions of the neighborhoods and the number of immigrants moving to the neighborhoods in the last decade. Two neighborhoods have been divided into seven homogeneous areas based on the indicators of the access network, access to local services, socio-economic status, and the number of immigrants. Additionally, the number of questionnaires to measure the subjective indicators of research using Cochran's formula for the whole sample (150 people) and each homogeneous area is determined according to the ratio of its population to the total population. The required information for research indicators was collected from documentary sources and field survey and the reliability of the questionnaire questions was assessed using Cronbach's alpha tool. After collecting information, the research indicators were measured separately for population, spatial and social distribution indices in homogeneous areas and the obtained values were standardized for later use. The final score of each indicator in each area is used for: a) Identifying and ranking the areas in terms of infrastructure and cultural requirements to identify the stimulus area for cultural development and acculturation, and b) Identifying and proposing action priorities and the intervention for each of the homogeneous areas by using the cut-point method. The results of this study demonstrate that a district which is comprised of cultural infrastructures and requirements can act as a stimulant in cultural development and acculturation. Also, a spatial and institutional structure should be provided that facilitates the creation of urban communities with the possibility of different cultural trends through which higher education centers work in tandem with local communities to act as a unit for mediating, facilitating, and coordinating these communities.

Keywords: Urban culture, acculturation, learning cCity, higher education centers, Mashhad metropolis